

## بناد درماني: SYMBOL THERAPY

بنادها و ملايم مقدس از قديم جا يگاه زيادي در تمدن بشري داشته اند و در پاي آنها در هنر و مجارسي و پزشكسي و مذهب و غيره ديده ميشود، يكي از كاربردهاي بنادها درمان است كه در سير درماني ميتوان آنرا با دو صورت مشاهده كرد.

الف = درماني كه در مانگر با تجسم و تصور و يا هدايت بناد در درون خود باعث جريان شفا بخشي از بدني ميشود مانند ريكن و كارونا و چيوس و در اين سبكه شفا بخشي با مراقبه و تمرکز روي بنادهاي خاصي با اثر قوي دادن ميپردازد.

ب = استفاده از بنادها در محيط يا براي مراقبه هاي شفا بخشي مانند تقا و پيراهرام يا تقا و پير معبد خدای طلب در يونان باستان يا تاروتهاي موسوم با تاروت ماترا در اين نوع شفا بخشي به دو مقوله فرم و رنگ دقت ميشود.

در طول تاريخ بشر از رنگ و فرم با طرق مختلف براي شفا بخشي و هدايت استفاده شده است. رنگ و فرم از اساسي ترين جنبه هاي هنر مقدس سيما شند. در هنر هاي مقدس از رنگ و فرم براي ايجاد طرح هاي كه هوشيارسي را گسترش مي داد استفاده ميگردند و اعتقاد بر اين بود كه رنگ و فرم بنحوي باعث تحريك چشم بيروني ميشوند كه تاثيرات دروني ميگذارند. بنادها در لايه ششم هاله يعني بدن آسماني كه به مركزيت چاكرای لای آجنا است وارد شده در آنجا تبديل به فرامين انزري زاشده و ضرر دامت را مي سازند. در واقع يك روشن بين ميتواند بنادها را در لايه هاي هاله افراد ببيند. بنادها كه در شرق بنام مانداوايا يا نتر او در بين سرخپوستان بنام اهكاتل خوانده ميشود از مهم ترين وسايل هنر هاي مقدس است و وسيله اي براي تمرکز حواس است. بنادها جوهر انديشه اي بخصوص را در خود دارند. آگاهي و هوشيارسي را از طريق طرح و رنگ مفهوم ميبخشند و ايجاد وحدت و يگانگي ميکنند. چون بيماري و هر نوع ناها هنگي در زندگي مادي - معنوي انعكاسي از تفكيك و عدم تقابلي در كل نگري و واحد بودن بدن - ذهن و روان است بناد ميتواند وسيله اي مؤثر و قوي براي اصلاح و درمان باشد. بنادها را ميتوان با كمك قوانين مخصوص آنها براي نيل به هدف خاص ابداع كرد. ميتوان طوري آنرا ابداع كرد تا هر نوع نروي دروني يا اشتياق را برانگيزد. آنها منابع دروني اصلي را كه در عميق ترين سطوح ذهني قرار دارد تحريك ميکنند. هر بار كه از بناد استفاده كنيد قدرت بيشترى مي يابيد و تاثيرش بيشتر ميشود. نکته مهم اينست كه در هنگام ساخت و طراحي بناد بايد هدف را در ذهن نگاهداريد. بنادها را با هر چيزي مانند مقواهاي سفيد و يا حد كافي بزرگي ميتوان درست كرد. روي اشيايي مانند سنگ و فلز و جواهرات و چوب نيز ميشود ساخت.

شما باید طرح‌های تان را بسته به نوع هدف انتخاب کنید، مثل نقطه وصلیب و مارپیچ و مثلث و ستاره داوود و مربع مثلث و دایره و بنا‌دهای جادوگری مصری مثل چشم هوروس و بنا‌دهای کابالایی مثل درخت سفیروت و بنا‌دهای هندی مثل الهه‌های جاکراها و بنا‌دهای سرخپوستی هر یک از بنا‌دهای بالا اختصاص به هدف خاصی دارد، مثلاً بنا‌هاییزیس برای بیماریهای زنانه یا مارپرداز تولک برای بیماری‌های روانی و یا مارپیچ برای مشکلات چشم، پس از طرح باید رنگها را انتخاب کنید، اگر مشکل یا بیماری ویژه‌ای دارید باید از رنگ مخصوص آن استفاده کنید، همیشه بطور عدد اسم و فامیل شما رنگهای را بدست می‌دهند و یا از جدول علایم خورشیدی ماهی و طالع خود را استخراج کنید مانند مثال زیر:

خورشید = نارنجی و طلایی ماه = نقره‌ای و سبز عطارد = آبی براق و سرخ = قرمز زهره = آبی روشن و سبز فروردین = قرمز اردیبهشت = آبی کم‌رنگ خرداد = خاکستری و لیمویی

وقتی در ساختن بنا‌دهای جای رسیدید که دیگر نمی‌توانید چکار کنید بنا‌دها آماده است بعنوان راحت‌ترین روش آنرا در فاصله دو متری قرار داده تا دقیقاً به آن خیره شوید زمانی که گنگز جریان را احساس کردید چشمها را ببندید و خود را رها کنید افکار و گریها و سردرد و امثالهم خواهند آمد با آنها اهمیت ندهید و بگذارید بروند این علامت شفا است، یا میتوانید بنا‌دها را روی کاغذ شفاف ترسیم کرده دور لیوان شیشه‌ای پیچیده و درونش آب ریخته ۲ تا ۳ ساعت در مقابل آفتاب قرار دهید آب با نیروی بنا‌دها اثر شده است که با مصرف آن با بدن‌تان وارد میشود، شما حتی میتوانید در محل زندگی و کاغذ دیواری یا حتی روی تخت آنرا ترسیم کنید، برای نمونه درمان کردن میتوانید بیماری ام‌اس را با تجسم یک مثلث معکوس نارنجی کنترل کنید یا حتی میتوانید با تجسم بنا‌دها و رنگهای خاص نیروی شفا بخشی از دستان یا چشمانتان متعادل کنید، بنا‌دها از مهمترین ابزارها برای باستان بوده است که امروزه برای ما با میراث مانده است، کسبیکه رابطه ما دین را فهم کند خود را در مرکز جهان می‌یابد، بنا‌دها وجود ندارد مگر برای کسبیکه یا جمعی که اعمای آن از بعضی جنبه‌ها همدانند تا فقط یک مرکز شکل بگیرد، تماس کائنات با دور این هسته مفصل بندی شده است، فهم بنا‌دها این کشف و شهود بنا‌دین در واقع ما را در نوعی جهان معنوی قرار میدهد، در ضمن نباید هیچگاه بنا‌دها را از همراهان موجود و کنونشان جدا کرد و نباید هیچگاه هاله نورانی‌شان را بدانگونه که بر ما درخشیده است زایل کرد، بنا‌دها در مرکز یک تک تصویر تمامی تجربیات معنوی را انباشته میکنند، بنا‌دها امکان عزمان موقعیت فردی و مختصات محتمل را امتلا میکنند، آنها واقعیت‌های کاملاً ناهمگون را با برگردان آنها به واقعیت ژرف‌تر که علت غایی موجودیتشان است متحد میکنند، همانا در ارتباط با همین مرکز است که خط پیرامون آن فقط از جای میگذرد که بنا‌دها آنجا باشد.

از نهاد بعد از آن خواهد همزاد عقل و بعد از آن الهام بخشی کشفیات و پیشرفت‌ها باید میشود. نهادها طلب  
این زندگی متخیل اند. نهادها رازهای ناخود آگاه را آشکار میکنند و بسوی پنهانترین خاستگاه کنشی  
میرانند و در برابر روح ناشناخته و بی نهایت میکشایند.

هر یک از ما در طول روز و شب چه آگاه و چه نا آگاه در رفتار و در رفتار و در رویاهای خود از نهادها استفاده  
میکنیم. نهادها خواسته‌های ما را بصورت ملموس در می آورند و در جریان یک ماجرا تهییج مان میکنند و با  
منشی و رفتارمان شکل میدهند و موجب موفقیت یا شکستمان میشوند. شکل و ترتیب و تفسیر نهادها در  
معارف نقشی اساسی دارد. تمامی علوم بشری مانند هنرها و تمام فنونی که از هنرها منشأ میگردد همگی در  
مسیر خود با نهادها آشنا میشوند. همه علوم بر آنند تا معجزاتی که نهادها مطرح میکنند برگزینند. آنها با هم  
مرتبط میشوند تا نیروی مترکمی را که در اختیار دارند با حرکت در آورند. بجای آنی که در جهان از نهادها  
زندگی میکنند و جهانی از نهادها در ما زندگی میکنند. بیانی نهادین ترجمان کوشش انسانست برای  
پیدا کردن و ما دیت بخشیدن به سر نوشتی که از وراثت تاریکیهای ما احاطه اش کرده است میگردد.

سکلت برای القاء مفهوم یا مفاهیم یک نهاد حتمی الوجود و اتفاقا در نیستند تمام ارزشهای آنرا بیان کنند.  
نهاد خود را آزاد میکند و میگردد و بتدریج که روشن میشود خود را پنهان میکند. بجای آنی که نهادها در  
زیر حجاب آشکار میشوند و در آشکارگی حجاب میپوشند. نهاد این خاصیت استثنای را دارد که در  
بیانی حتمی تمامی تاثیرات بر خاسته از ناخود آگاه را ترکیب میکند و همچنین تمامی نیروهای غریزی و  
روحی متفاصم یا هماهنگ با درون هر فرد را شامل میشود. نهاد اساساً با علامت فرق میکند. علامت یک  
ترار داد اختیاری است که دال و مدلول (عین و ذهن) نسبت بهم بیگانه اند. در حالیکه نهاد از همگون دال  
و مدلول پیش انگاشته‌ای دارد و آنرا مبنای یک پیوستار سازمان دهنده میداند. نهاد قدرت اساسی و  
خود جوشی است که مدارا منعکس میکند و انعکاس صدام را با اثر فانی وجود مان فراموشی خواند. چرخشی  
در هستی می افکند. نهاد مدعی واقعی است و با ایجاد طنین اکتفا نمی کند بلکه تغییری در عمق میطلبد.  
نهاد بسی بیش از یک علامت ساده است. نهاد در وراثت معنی جای دارد و تفسیر منحص به خود دارد که  
لازمه این تفسیر دارا بودن نوعی قریحه است. نهاد سرشار از پویایی و تاثیر گذاری است و با ساختارهای  
ذهنی بازی میکند.

واژه نهاد یا سیببول در قدیم با چیزی دونه‌ای شده اطلاق می شد از جنس چوب یا فلز یا سنگی که هر نیه  
را درون فرنگاه میداشتند. دو معنی، طلبکار و بدهکار، دوزیر، دوزنک صدمی طولانی از یکدیگر جدا می افتادند.  
و با کنار هم قرار دادن این دونه‌ها آنها بیعت خود را با یاد می آوردند. بجای آنی که یاد آور جدایی و وصال بود

بنا د هیچ چیز را در خود نمی فشرد و هیچ چیز را توضیح نمی دهد او فر را با ما و راه خود بسوی مفهومی  
گسیل میکند که این مفهوم در ما وارد هم غیر قابل درک است و با بهام پیش فرضی دارد اما هیچ کلمه ای  
در هیچ زبانی نمی تواند آنرا کامل بیان کند. مفهوم بنادین بینشی است که از تمام تفسیرهای قابل  
درک فرامیگذرد. بنا د زنده نیست مگر سرشار از معنی باشد. اما وقتی معانی بنا در روشن باشند بعبارت  
دیگر اگر بتوان برای آن بیانی پیدا کرد بیانی که بهترین وجه چیزهای پنهان و غیر مترقب یا پیش حس  
شده را دستا بندی کرد آنگاه بنا در مرده است و دیگر ارزشی جز یک ارزش تاریخی ندارد. اما بنا برای  
زنده بودن نباید فقط از ورای ادراک عقلی و جاذبه های زیبایی شناختی بگذرد بلکه باید زندگی خاصی  
را دوباره زنده کند؛ تنها بنا دی زنده است که برای بیننده بیان متعالی آن چیزی باشد که از پیش حس  
شده اما هنوز شناخته نشده است. بدین ترتیب بنا د نا خود آگاه را با اشتراک مسامحه فرامیخواند؛  
بنا د زندگی را در بر میگیرد و رشد آنرا تقویت میکند. بنا در میتواند با بلوری مقایسه کرد که نورهای  
مختلف را با تناسب تراشهایش میگیرد و از خود عبور میدهد. میتوان گفت که بنا د موجودی زنده  
است و جزئی از وجود ماست که داریم در حال حرکت و تغییر است. به ترتیبی که وقتی بر آن نگاه  
میکنیم و آنرا چون وسیله تمرکز میگیریم خط سیر خاصی را دنبال خواهیم کرد و جهت حرکتی خواهیم  
یافت که موجود در آن اولویت دارد. بنا د واقعیت رهرف و علامت و روابط فوق عقلانی و تخیلی را  
میان سطوح هستی و میان جهانهای کیهان، بشری، و الهی برقرار میکند. بنا د آنچه نزدیک است را  
دور و آنچه دور است را نزدیک میکند به شیوه ای که حواس بتوانند هر یک از این دورا درک کند. بنا در  
همچون طبقه بندی تعالی بخش ارتفاع و ما فوق زمین و بی نهایت خود را کاملاً بر تئاس وجود  
انسان برهوش و بر روح او آشکار میکند. بنا د گمراهی موهبتی فوری از آگاهی تام است بدین ترتیب  
انسان خود را کشف میکند و از موقعیت خود در کل کائنات آگاه میشود. مفهوم بنا د ساده انگاری  
بیننده را دفع میکند و بنا د خواهان شرکت یک شریک واقعاً است. بنا د فقط در ذهنیت وجود دارد  
اما مهمتی بر عینیت است. طرز تلقی و دراک ای ذهنی نیاز به تجربه ای عینی و ملموس دارد و ناگاشتن  
یک مفهوم دیگر. خصوصیت بنا د آنست که تابی نهایت اشارتگر بهاند؛ هر کسی در آن چیزی را میبند  
که قدرت با صره اش اجازه مشاهده آنرا میدهد. کمبود ژرفنگری باعث است که هیچ چیز عینی درک نشود  
در طبقه بندی ارتفاع بنا د جز یکی از طبقات نامرئی است که از طریق مخیبات مشاهده میشود بر  
بخش مرئی الحاق میکند. خرد بنا دها نه آنقدرها از اصول عقلی که از نوعی درک مستقیم حاصل  
شده است. درک مستقیم از شناخت و آگاهی بدست می آید. بنا د از حد خرد ناب فرامیگذرد بدون  
اینکه بدین خاطر در پیچی سرگون شود. در بنا د پدیده تراکم ایجاد میشود. حتی یک دال بیش از یک  
مدلول استنتاج میکند یا بعبارت ساده تر مدلول کثیرتر از دال است. بنا د زنده که از نا خود آگاه



خلاق انسان و محیط او برهه خیزد کار بردی کاملاً متناسب با زندگی فردی و اجتماعی دارد. نهاد گردشی آزاد در تمام سطوح واقعیت را ممکن میسازد. آنچه نهاد میخواهد القاء کند معنای یک جستجو است و جواب به یک الهام مهارشده بی کار برد اصلی نهاد دقیقاً آن است که انسان را از خلاء تجربه کیهانی برخوردار خود آگاه میکند و از طریق این آگاهی تجربه شخصی و اجتماعی بدست می آید. نهاد مؤثراً محکم کردی میانجی را برعهده دارد. نهاد پله راهی بنده و عناصر تفکیک شده را جمع می آورد و آسمان و زمین و ماده و روح و طبیعت و فرهنگ و واقعیت و رویا و ناخود آگاه و آگاه را پیوند میدهد. نهاد با تمام نیروهای کانون گریز یک مجموعه پدیده های غریزی روان که در معرض کثیری از احساسات و عواطف قرار دارد با نیروی کانون گرایی ضدیت میکند در حالی که خود دیکه کانون ارتباطات برقرار کرده است که این کانون با چند جانبگی نیروهای این مجموعه تسلیم میشود و از این طریق وحدت خود را بازیابی میکند. نهاد یک عالم متوازن کننده است. بازی زنده نهادها در روان نشانه فعالیت ذهنی شدید و سالم و در عین حال رهایی بخشی است. نهادهای بنیادی تجربه های فردی و مذهب و کیهانی و اجتماعی و روانی را در سه سطح ناخود آگاه و آگاه و فوق آگاه تقویت میکنند و از طریق نشان دادن وصلت اساسی میان سه سطح خود (زیر زمین و زمین و آسمان) مرکز و شش جهت فضا ترکیب از جهان بدست میدهند. نهادها محورهای عظیم دستا بندی را از قید تعهدرها میسازد و سرانجام نهادها انسان را با دنیا پیوند میدهند که همان روند تراخی شخصی انسان در تحول کلی بدون جدایی یا اغتشاش است. با برکت نهاد که کائنات را در یک شبکه عظیم ارتباطی قرار میدهد انسان خود را غریبه احساس نمی کند. وقتی ارزش تصویر تا آنجا بسط می یابد که اعماق را یابد و تعالی بی نهایت انسان را با هم ارتباط میدهد تبدیل به نهاد میشود. در نتیجه نهاد پیوند دهنده، محکم کردی تربیتی رحمتی مداوم کننده دارد. جامعه شناسی و روانکاوی کاملاً نهادهای مرده را از نهادهای زنده متمایز میکنند. نهادهای مرده دیگر طنینی در آگاهی فردی یا جمعی ندارند بلکه فقط با تاریخ و ادبیات و فلسفه تعلق دارند. نیروی حیاتی نهاد بستگی به طرز تلقی آگاه و داده های ناخود آگاه دارد. این نیرو ارتباطی خاص با فرم برقرار میکند و نوعی همزادی با نامرئی دارد. این نیرو در نهاد واکنش ایجاد میکند و آنرا تقویت میکند و بیننده را با عامل مبدل میکند و گرنه نهادها جز کلماتی بی خاصیت نخواهند بود که محتوای قدیم آن نابود شده درست مثل عبادتگاههای که دیگر در آن دعا خوانده نمیشود. این خاصیت نهادها که ارتباطی میان نیروهای متخاصم ایجاد میکنند محکم کرد تعالی بخشی است که از ترکیب ترین محکم کردها است سه با هیچ وجه بسیط نیست و از طرز تفکری به طرز تفکر دیگر گذر میکند. در نتیجه بر تضادهای غالباً میکند و بدین ترتیب راهی برای پیشرفت آگاهی باز میکند. نهاد در کل حرکت تکاملی انسان حضور دارد و نه تنها آگاهی او را پر بار میکند بلکه بردرک زیبایی شناختی او تاثیر میگذارد و سرانجام بعنوان مبدل (ترانسفورماتور) نیروی روانی با کار میپردازد. یعنی وقتیکه در شبکه اصلی نیرو اندکی مخدوش

و محسوس شده مبدل را بکار می اندازد تا جریان عادی شود و در زندگی شخص قابل استفاده نباشد. نیروی ناخود آگاه که اشکال درد شناختی (علایم بیماری) عصی یکسانی ندارد تبدیل با نیروی میشود که میتواند با سبک بنا دس از رویه یا هر بروز دیگر ناخود آگاه شکل گرفته با آگاه متداخل و مخلوط شود. «من» است که با بد نیروی ناخود آگاه را که توسط رویه یا نهاد آزاد شده همسان و همگون کند. در مضامین روانشناختی هر نهاد با دوسر مشبت و منفی اش مرتبط با یک نوع از افراد بشر است و نهادها با چهار دست تقسیم میشوند:

۱- نهاد های رفعت جوین اساطیری = ایکاروس، تانتالوس، ایکسیون، پرستوس، و امثالهم.

۲- نهاد های بدون کاربرد = ساتوس، هرم خدایان، جنگ غولان و غیره.

۳- نهاد های ابتذال = بعنوان اولین نتیجه نهاد های بدون کاربرد که ابتذال را با هر سه شکل عرف پسندان

(عیداس، اروس، پسوخته) دیونوسوس (اورفئوس) و تیتان وارن (اویدیپوس) عرضه میکند.

۴- نهاد های مقابله و جنگ بر علیه ابتذال = تستوس، هراکلس، پرومتئوس و غیره.

منطق نهادها نه فقط در نهاد گرایس جا روی - مذهبی بلکه حتی در نهاد گرایس منبعت از فعالیت ذهن ناخود آگاه

و ذهن ما و رای انسان استحکام می یابد. نهادها بنا بر روندی خاص رشد میکنند و بنظر می رسد که خلایقتهای

خود آگاه و ناخود آگاه و فوق آگاه در گونا گونی شباهت واره یا لغوی خود از الگوهای مشابه الهام میگیرند و

برهمنای ساختارهای مشابه پیش میروند. اما بشری که از ساکن نگهداشتن نهادها در الگوهای ازلی

اجتناب کنیم چرا که تعصب نسوج به یقین مگر می آفریند و تا دم آن باعث مرس نسبتها میشود. تحلیل

عقلایی یکه نهاد مثل کندن پوستهای پیاز است برای رسیدن به خود پیاز. نهاد را نمیتوان با کاهش تدریجی

آن به چیزی که خود آن نیست شناخت. زیرا در این کاسته فقط چیز غیر قابل درک که نهاد را بنیان گذاشته

وجود دارد. شناخت نهادین یکپارچه و قسمت ناشدن است. فقط از طریق الهام طرف دیگر تصدیق است

سه شناخت نهادین معنی میدهد در عین حال پنهان میشود و تفکر نهادین در ناخود آگاه شناور است و در

فرا آگاهی رشد میکند و بر تجربیات درونی و سنت استکا دارد و متناسب میزان پذیرش و ظرفیت شخصی مبادله

میشود. در طول اعصار با هرکت رشد فرهنگ و دراکا نهاد به زبان جدیدی در آمده و طنین پیش بین

نشده را به صدا در می آورد و مفاهیم نا عهود را آشکار میکند اما جهت گیری اولیه و الهام اصلی خود را

حفظ میکند و تعالی میان تمام تقاسیر متوالی آن وجود دارد. نهادها را هر یک کننده روی همین

محور تنظیم شده اند.

یکی از مکانیسمهای اصلی رویا نهادی کردن است. نهادی کردن عبارتست از استفاده از نهاد های عینی به

جای مفاهیم انتزاعی. هم اشیا و هم اعمال موجود در رویاها نهادین هستند و تعبیر رویا شاملی تمبر به آن

نهادها به انزیشهای موضوعی که آن خاص نهایی اند است. نهادها در هر رویا بین منحصر نبرد هستند و درک

آنچه آنها به آن اشاره دارند بدون دستیابی به تراعیهای رویایی در باره آنها امکان پذیر نیست. نهادها

با موضوعهایی سه آنها می‌نمایند خصوصیات مشترک دارند و توصیف این خصوصیات مشترک سرخنی را برای کسب معنی نهاد ما دست میدهد. نهادها میتوانند باجای اشیاء و اعمال و یا حتی افکار پیچیده قرار گیرند و نشان دهنده آنها باشند. مثلاً صیب بیانگر خوی خشن فرد و پیتزا نشان دهنده تغذیه عاطفی و پول نهاد انرژی است. گاهی یک نهاد میتواند یک اندیشه پیچیده تر را توصیف کند. میتوان ترکیبی از اندیشه‌ها را در یک واژه یا عبارت خلاصه کرد. یک تصویر یا نهاد میتواند حمل بر یک خلق یا موقعیت شود مثلاً شعر میتواند بیانگر یک دوره زندگی رویا بین باشد. گاهی رویاها میتوانند حاوی یک رشته از تصاویر یا صحنه‌ها باشند. رویا بین تا اندازه‌ای می‌داند که این صحنه‌ها باهم پیوند دارند یا بخش از یک رویا هستند، حتی اگر با یکدیگر متفاوت باشند. این رویاهای زنجیره‌ای یعنی مجموعه‌ای از رویدادها یا پشت سرهم متداول هستند و روشن انتقالی تعدادی از افکار رویا بین هستند که یا بدنبال یکدیگرند یا بطریق مختلف باهم ارتباط دارند. جور کردن صحنه‌ها با یکدیگر مهم است و اگر ما واژه‌های بین یک صحنه را کنار واژه‌های صحنه‌ای دیگر قرار دهیم رویا نبود بیشتری می‌یابد. مثلاً صحنه اول موقعیت جاری را نشان میدهد و صحنه دوم بیانگر گذشت است و ریشه مشکل و صحنه سوم آینده را مجسم میکند و نتیجه مشکل را که حل میشود یا نه را بیان میکند. معمولاً بین صحنه‌های متفاوت یک رابطه سببی وجود دارد و اغلب در هر صحنه قالبهای زمانی متفاوت آشکار میشوند. از آنجا که ما نمی‌توانیم در انترام رویا بسینیم هیچ مکانیسمی برای انتقال عناصر یا روابط سببی وجود ندارد. این تغییر صحنه‌ها بیانگر این رابطه سببی است. هر صحنه یا رویداد داستان وار میتواند نهادی که تفکر متفاوت یا بیانگر دوره‌ای خاص در گذشته حال و یا آینده شخص باشد. همانطور که بیان روابط سببی و افکار پیچیده در یک پیوستار غیر انترامی دشوار است احساسات نیز اینگونه اند. گاهی ما برای بیان احساساتی خاص از نهادهای همین استفاده میکنیم. مثلاً یک بیرو حسی ممکنست بیانگر خشم یک فرد باشد. اما اغلب ما درباره احساساتمان رویا بافی نمی‌کنیم بلکه آنها را تجربه میکنیم. یک زن تشنه محبت و صمیمیت اغلب در رویاهایش احساس گرسنگی دارد. تجربه غم و ناگامی و گرسنگی و یا سرما در رویاها بازتاب آن احساس در زمان بیداری است. سوای تجربه احساسات برای خادای کردن تجربیات همین دوره بیداریمان نوع خاص دیگری از نهادی کردن وجود دارد که مشخصه زبان آن استعاره نهادین است. چون ما نمی‌توانیم در انترام رویا بین کنیم برای نشان دادن اعمال خاص از تصاویر همین استفاده میکنیم. بعضی استعاره‌ها نسبتاً روشن هستند و واژه‌های استفاده شده برای توصیف تصویر رویا میتوانند در چند سطح تعبیر شوند. مثلاً در تصاویر درهای باز و بسته میتوانند بیانگر درهای باز و بسته مربوط به موقعیتهای خاص باشند و تصویری از داشتن کلید صحیح یعنی داشتن راه حل یک مشکل باشد و قرار داشتن در تاریکی میتواند نشان دهنده ناآگاهی از یک موضوع خاص باشد. سایر نمونه‌های مربوط به تصاویر همین که ممکنست برای نشان دادن اعمال انترامی استفاده شوند عبارتند از: گیر افتادن، قرار گرفتن روی یک مسیر درست، خلاصی از شر آشغال، پرواز کردن، قرار داشتن روی صندلی را ننده، آب شکر آلود و امثالهم.

گاهی برای نشان دادن جلوه‌های خاص از تصاویر استفاده میشود. این تصاویر به اندازه تصاویر ذکر شده روشن نیستند اما گاهی در مانگر از خداد آنها میتوان به شنیدن صحبت‌های آنها و آگاهی از آنها کمک کند. بویژه افعال رویایی در رویا در سطح نادین بلافاصله قابل درک نباشد، نمونه‌هایی از تصاویری که بیانگر جلوه‌های متداول هستند عبارتند از: رویا بین در مورد چسبیدن به سقف، برخورد یک تخم مرغ روی صورت و یا کشیده شدن قالیچه از زیر پا، رویا این جلوه‌ها را عینی می‌کند. زبان رویا یک روش بیان غیر انتزاعی زیرکانه و خلاقانه انتقال افکار پیچیده است و استعاره و جناس سازی دیداری و کلامی بخشی از این زبان هستند. در مانگر میتواند به این جلوه‌های کلامی در بیان رویا گوش دهد.

نهاد نوعی مدل انتزاعی یک واقعیت یا یک ساختار است که ذهن انسان قادر به تسلط کامل بر آن نیست. همه چیز نهاد است، همه چیز نشانه است، همه چیز یادآور حقیقتی دیگر است. کشف اینکه همه چیز نشانه یا نهاد است ما را در یافتن کلید معمایاری میدهد. کلیدی نه برای گشودن تمام درهای بسته جهان وجود، نه برای دستیابی به یقین مطلق، بلکه برای کشف یک روش یا یک حالت ویژه در روش یا حالتی که از خلال آن بتوان به ادراکی برتر یا متفاوت دست یافت. از حالت بیداری متعارف (عادی آگاهی) باید به حالتی از بیداری برتر (اوچ آگاهی) درآمد. به حالتی بیدار و برانگیخته، همه چیز را در هر چیز بتوان جست اما همه در بیدار بودن است. نهادها یا سهیلها به هیچ وجه ساختار منکر بشر نیست بلکه انعکاس حقیقی از عالم بالا در مرتبتهای پایینتر از وجود است و بالفرض مرتبتهای پائین را به علت اتحاد ذاتی اصل با انعکاس آن و یا تبلی با مرتبه بالا تر که مبداء تبلی است متحد میسازد. به این دلیل رهرو تئوئیل بستگی بوجود اشیا دارد و حقیقت آن کاملاً عینی است.

مؤثر حقیقی در امور ارواح علوی است که در تحت تأثیر علت اولی یعنی واجب الوجودند و چون نهادها سهیلی را ایجاد کنند جسدی برای تعلق روح علوی بدان وجود میگیرد که آنرا انرژی هوشمند نهاد مینامند و در اثر این تعلق آثار مربوط به نهاد مذکور ظاهر میگردد. ناخود آگاه انسان لطف و توجه خاصی به نهادها دارد گویی از نهادها چیزی میخواهد که دارای ارزشی خاص است. ذهن ناخود آگاه برای تفسیر و تحلیل هر چیزی از نهادها برای عبور دادن اطلاعاتش به ذهن خود آگاه استفاده مینماید.

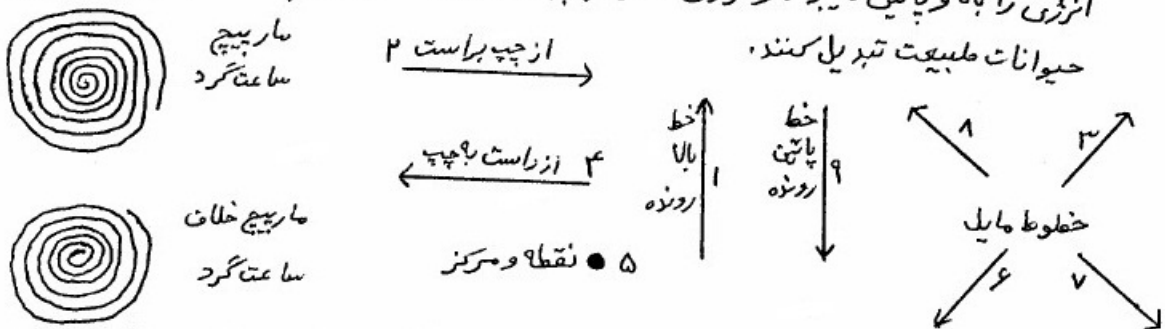
نهادها واسطه و گذرگاهی هستند برای راه نیابی دانسته‌های ناخود آگاه به ضمیر آگاه. نحوه تحلیل نهادها و نشانه‌ها توسط ذهن اینگونه است که ذهن ناخود آگاه بر اشکال و نهادهای مورد نظر تأثیر میگذارد و طرز قرارگیری و جایگاه نهادها یا نشانه‌ها را مشخص میکند و بدینوسیله آنچه که در ذهن ناخود آگاه قرار دارد در اختیار ادراک حسی شخص قرار میگیرد تا با تفسیر نهادهای متشکل بیان گردد. مطالعه هندسه ادراکی سهیلها یکی از دروازه‌هایی است که ما را به شناخت ماهیت روان که ریشه تمام دانشهاست هدایت میکند. زندگی هم از یک نگاره و سهیل ساخته شده است. این زمینه ذاتی نیروهای کیهانی در نمایش سرگذشتی است که در جریان بوده و هست. بنیادی ترین اصل برای تمرکز درک سهیل است و مؤثرترین همیز سهیلها و نقوش است. آنچه انسان را انسان و

حیوان را حیوان میسازد حاصل سهیل اندوخته در کدهای ژنتیک است. هم آراسنگی نقوش  
سلولهای سهیلها حاصل اثری بالقوه سهیلهاست. نیروی جاذبه که قوام ساختن عظیم  
ساینات را مقدور میسازد از نظر محوری و به لحاظ نیروی الکتریکی که الکترونها را در مدارهای  
اطراف هسته حفظ میکند هم آراسنگی است. هم آراسنگی در حلقه های زنجی و پیوسته حساب  
صاحبان و گردبا دهی عظیم و ذرات میکروسکپی شیر وجود دارد. موجودات ماده نهایی را که  
از هم آراسنگی بیشتری برخوردارند را انتخاب میکنند. کاربری بنیادین مغز مخصوص دریافت و  
دیدن هم آراسنگی تنظیم شده است. هم آراسنگی درون سهیل باعث نوعی تحریک فیزیولوژی  
است که با آنزیم احساس مطلوب میمانیم. هم آراسنگی به گونه ای مرموز با سلامتی ارتباط  
دارد. هم آراسنگی به مغز قدرت پیش بینی اعطا میکند. تمام ذرات بنیادی ماده دارای یک  
بازتاب دوگانه با همان اندازه اما در جهت مخالف هستند. بسیاری از ترکیبات آلی مانند گونه های  
از تصویر در دو آینه هستند. عکس العمل هر فرد در مقابل هم آراسنگی کاملاً ژنتیکی نیست بلکه  
بشدت تحت تاثیر پیرامون او است. چشم که پنجره روح است برترین عضوی است که بوسیله آن  
کمال درک امکان می یابد. هم آراسنگی سهیلها مستقیماً روح را تحت تاثیر قرار میدهد. کلیه  
اندازه های حسی ما در پاسخ با اختلالات هندسی یا تناسبی ناگهانی که وابسته اند به تحریکاتی  
که میپذیرد عمل میکنند. مثلاً وقتی که ما یک گل سرخ را بو میکنیم به جوهرهای شیمیایی عطر آن  
عکس العمل نشان نمیدهیم بلکه پاسخ به ساختن مولکولی هندسی آن که نوعی بنیاد است می دهیم  
زیرا هر جوهر شیمیایی که با همان ترتیب هندسی آن گل سرخ پیوند داشته باشد به همان ضرورت  
بوی مطلوبی نیز دارد. تمامی این وجوه هستی های مکانی در روان و تن بشر جا دارد. محتوای  
تجرباتی ما از یک محاسبات هندسی انتزاعی و غیرمادی نشأت میگیرد که از امواج هماهنگی انرژی و  
نسبت عددی و صور خوش آهنگی که از منبع لایزال تناسب هندسی بناها سرریز میکند تشکیل  
یافته است. کلیه بناها ذاتیت اولیه ای در روح ما دارند و روح قبل از دریافت حسی درک خود  
انگیزخته ای از بناها دارد. بناهای اصلی گوی بر ظهور خود مقدم هستند. نسبتهای هماهنگ  
مقدم بر شاید هماهنگی شده اند. دوازدهم بر کالبدی که در یک دایره حرکت میکنند مقدم ترند.  
فرضیت تحلیلی بنیادی نیکه راست مغزها الگوهای موجود در فضا یا کلیت از مرفوع را تشخیص  
میدهد و قادر است تضادهای متقارن و کمنشایی را که ظاهراً از نظر استعداد تحلیلی غیر منطقی بنیادین  
نیز دریافت کند. بنیادین در نیکه چپ از شرایط مطلوبتری برخوردار است زیرا که ترتیبهای  
متقارن و فضایی را جذب میکند. در حالیکه توان عقلی سمت چپ برای درک موقتی تشکیلات  
سسته رمانا سبتر است. مثلاً جنبه باطنی وضامیت بنا را میتواند از طریق قوای ذهن نیکه راست



دریافت شود در حالیکه جنبه خارجی و شکلی نهاد بوسیله فضای ذهنی نیمکره چپ درک و دریافت میشود، نهادها سرچشمه های انرژی در جهان هستند. آنها حتی در نزد خود پویا و فعال هستند. هر یک از اشکال هندسی در ربع های کوچک سیستم یا تکنیک متفاوت فکری را برای درک جهان و ساختهای آن عرضه میکند. اعتقاد علوم روحی اینست که یک نیروی حیات بر جهان حاکم است که به شکلهای گوناگون درسی آید و شکل سیکل زایش و نابودی بوجود می آید. هر چیزی تولد پیدا میکند و رشد می یابد و نزول میکند و نابود میشود؛ چرخه عدد ده است و این چرخه بر جهان حاکم است. تولد + رشد + نزول + نابودی  
 $1 + 2 + 3 + 4 = 10$

بنادهای یک بعدی؛ هر یک از بنادهای میتوانند انرژی حیاتی را تغییر شکل داده و در جهات مختلف بکار ببرند و لول انرژی را بالا و پائین ببرند و انرژی حیاتی را بر عنصر وارد، متحرکتر یا پختی کنند بصورت انواع حیوانات طبیعت تبدیل کنند.

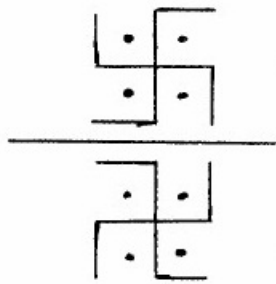


نقطه؛ یک بعدی و سهیل ضد است به معنای متحرک و مغلوب و گیر کردن انرژی حیاتی و به انرژی هیچسبب و آنرا تغییر میدهد. نقطه انرژی را محصور و فیکس میکند. نشان متحرک و شمع تمامی عوامل موجود در کائنات. خطوط عمودی و بالا رونده؛ لول انرژی را زیاد کننده است. (از پائین به بالا) خطوط عمودی و پائین رونده؛ لول انرژی را کم کننده است. (از بالا به پائین) خط افقی از چپ به راست؛ بدون تغییر لول انرژی فقط انرژی را از نزدیک به دور میفرستد. خط افقی از راست به چپ؛ بدون تغییر لول انرژی فقط انرژی را از دور به نزدیک می آورد. خط مایل از پائین به بالا و از چپ به راست؛ لول انرژی را زیاد و از نزدیک به دور میفرستد. خط مایل از پائین به بالا و از راست به چپ؛ لول انرژی را زیاد و از دور به نزدیک می آورد. خط مایل از بالا به پائین و از چپ به راست؛ لول انرژی را کم و از نزدیک به دور میفرستد. خط مایل از بالا به پائین و از راست به چپ؛ لول انرژی را کم و از دور به نزدیک می آورد. خط مارپیچ به جهت عقربه ساعت؛ لول انرژی را زیاد و متحرکتر و از بیرون به درون میکشد و وارد سیستم میکند. خط مارپیچ به خلاف جهت عقربه ساعت؛ لول انرژی را زیاد و متحرکتر و از درون به بیرون میفرستد. خطوط مارپیچ سهیلی از تحریک احساسات آزادگی، قابلیت، نبوغ بوده و باعث تحریک و بیداری احساسی در فرد میگردد.

### نمادهای دوتایی :

هر نمادی یک اثر واقعی دارد و یک اثر اعتباری و اهدا شده دارد، خیلی وقتها معنای واقعی ناپدید میگردد. بعضی نمادها قدرت خود را از کسیکه آنرا ساخته است گرفته و بعد از مدتی از بین میرود. بعضی از نمادها تقلیدی از اشکالی طبیعت هستند، از نمادها برای رفع نواقص محیط یا انرژیها استفاده میگردد. یک انرژی بنیادی وجود دارد که با حرکتهای مختلف به تأثیرات و وقایع مختلف را ایجاد میکند. صلیب مسیحیت در دوران قدیم نماد مخوفی بوده چون نشانگر شکنجه سخت بوده ولی حالا حاوی انرژی مسیح و روحانی است و این معنای اعتباری دارد که بر آن حاکم شده است.

### صلیب شکسته یا سواستیکا یا گردونه مهر:



سواستیکا یک واژه سانسکریت به معنی خوشبختی است. در نوع هندی آن در هر ربع آن نقطه‌هایی قرار میدهند و نشانگر جهت چرخش چاکراها است. این نماد علامت خروج انرژی کیهانی است ولی وقتی به نماد نازیها تبدیل شد اثر آن کاهش یافت. سواستیکا زمانیکه ساخته گرد است گیرنده انرژی و زمانیکه خلاف جهت ساعت است فرستنده انرژی است.

### صلیب بعلاوه :

جایگاه احساسی	جایگاه روح
جایگاه جسم	جایگاه ذهن

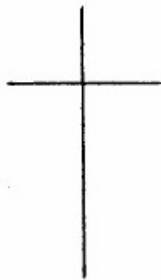
نمادی از تعادل و توازن چهار عنصر و نمادی از مصالحه کردن است و هر چیزی را که بخواهیم با چیزی دیگر جمع کنیم این نماد را بکار میبریم. این نماد میتواند مجموعه‌های غیر متعادل و ناماهمگ را با هم متحد کند. در سیستم‌هایی به کار میروند که تمایل به صلح و آشتی دارند، مثل صلیب سرخ و سوئیس. این نماد همزمان بیانگر اعداد ۲ و ۴ نیز میباشد. نشان نظم نیروی الکترومغناطیس است.

### صلیب ضربدر :

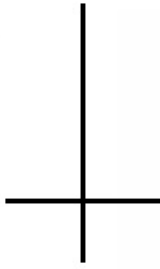


نماد منع و بازداشتن و جلوگیری کردن و کنترل کردن است. هر جا بخواهند مانع ورود یا خروج کسی بشوند ضربدر میزنند.

### صلیب مسیحیت :

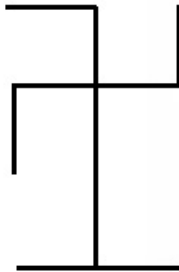


معنای واقعی آن سردانگی است. منتها معنای اعتباری آن معنای واقعی آنرا تحت الشعاع قرار میدهد. در دوران قدیم نماد شکنجه بوده و بعد از مسیح<sup>(۴)</sup> صرفاً بمعنای انرژی روحانی است. این نماد در ارتباط با عدد پیا میران یعنی ۱۸۸۱ میباشد.



### صلیب وارونه :

این نماد انعکاس دهنده و نماد شیطان پرستان است. ولی در قدیم نماد شوالیه‌های برتر بوده است.

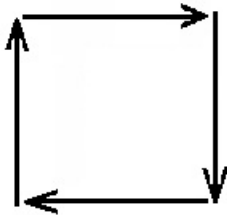


### خالون : (چرخ قانون تقوا)

نماد برکت و ذخیره و جذب ثروت و جاکرامی که انرژی کسب و دریافت میکند است. و نمادی از خورشید و قدرت و معنای استعاری چاکرامی است که خلاف جهت می‌گردد. فرد شیوا و شاکتی است که از کف دستانی برکت خارج میشود و بیرون می‌آید. خورشید همیشه از مشرق به مغرب است و حرکت جهت عقربه‌ها ساعت دارد.

هر نمادی و چه زنانه و مردانه دارد و در هر سیستمی باید هر دو متعادل باشند مثلاً در مثلث مذکر و مؤنث دارد و در مربع از رنگهای مؤنث و مذکر استفاده میشود. خانه‌ها اکثراً از عناصر زنانه اند و فاقد عناصر مردانه می‌باشند مثل مکعبهایی که فاقد عناصر تیز و رنگهای آن است. ولی خانه‌های قدیمی درخت و گنبد داشته‌اند که انرژی را تعدیل میکرده است.

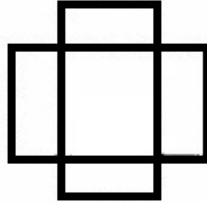
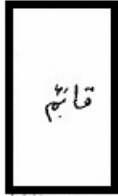
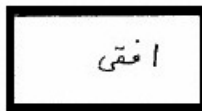
### مربع :



از چپ و راستین هما قدر که لول نزدیک با دور میشود، ازدور به نزدیک و هما نظور که انرژی بالا می‌رود یا بین می‌رود و انرژی را آرام و اسیر و محصور میکند. انرژی را تثبیت و آرام می‌سازد تا تغییرات در رنگهای انرژی زمین را هما هنگ کند و یا با رنگ زرد یا قهوه‌ای هم میشود فعال کرد. مربع در ارتباط با انرژی زمین است که انرژی را محصور و ثابت و پایدار میکند و درهایی بکار می‌رود که انرژی و پایداری

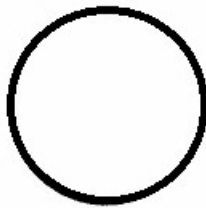
که بر سیکتر بنیم تغییرات را مهار کنیم. با ما کمک میکند تا اعتناش را مهار و جریان تغییرات را کنترل کنیم. مربع به عدد چهار نیز مربوط است. مربع نمادی از سکون و استعاری و مردانگی و عقل و منطق و جهان مخلوق و زمین و گسترار و حصار و پنجره و جان پناه است. مربع احساسات خرد را در و بستگی و علاقه‌مندی با خدایی یا چیزی و یا کسی فراهم آورده و تحریک مینماید، بیشترین نقطه‌ای که در بدن از این شکل تاثیر می‌گیرد چاکرامی تحتانی است. شکل مربع از چهار ضلع برابر تشکیل شده است و هر یک از این چهار ضلع میتواند نمایانگر: چهار جهت اصلی و چهار فصل سال و چهار عنصر و چهار مرحله از زندگی کودک، جوانی، میانسالگی و پیری و چهار طبع سرد و گرم و خشک و مرطوب و چهار خلط صفر و سودا و بلغم و خون و چهار مرحله از تکامل بشری، دوران جنینی، دوران زندگی، مرگی، رستاخیز و معاد باشد.

### مستطیل :

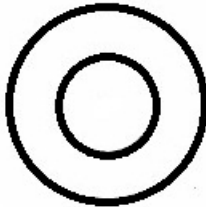


همان مربع است با تفاوت ایگله مرتب اول انژی را ثابت نگه میدارد ولی مستطیل حرکت انژی را تسهیل میکند ولی لول آنرا تغییر نمیدهد. انعکاسی همزمان اعداد اوک سیباشد. مستطیل قائم عشق اعلايي را نشان میدهد و مستطیل افقی عشق اسفلی را نشان میدهد. مستطیل اشاره به راه نیز دارد. مستطیل افقی و عمودی محورهای تقارن عمود برهم دارند که با هم نشان روح و جسم هستند. نشان میدهد که محور روح بر محور جسم یا محور را کب بر محور مرکب عمود است.

### دایره :

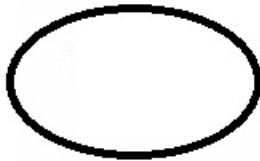


دایره مضاعف



انژی را متمرکز و محصور و پدیدار میکند ولی ثابت نمی ماند. قدرت هر چیز را در درونش تقویت میکند. با اعتقاد بر بنی منفرد میباشد و بر بنی ۶ میباشد. همیشه جایی بکار میرود که مانع از این شود که انژی مجموعه جدا از هدف شما انجام شود. در بسیاری از جاهایی که مورد تقیایی و بازرسی و امنیتی است دورگروی آنها با دایره بسته میشود که اطلاعات در درون خودشان پنهانند. دید دیگران را نسبت به محیط ما می بندد. دایره نمادی از حرکت و زمان است و در عین حال نمادی از آسمان، عالم ملکوت، حرکت اجرام سماوی در حول محوری دوار و سیاره جهان معنوی و متعال میباشد. دایره مضاعف قدرت متعادل بین و یانگ را برسیستم اجمال میکند.

### بیضی :



دارای دو کانون است و همان خواص دایره را دارد ولی همزمان میتواند دو مجموعه و دو گولورا در آن محصور کرد. مثلاً ناتو ترکیبی از قدرتهای نظامی کشورهای مختلف است. بیضی با عدد ۵ در ارتباط است.

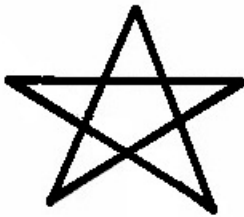
### مثلث :



نمادی از ایستایی و توازن و زهدان و شعارهای گفتار و پذیرا و کردار نیک است. و با سه رنگ اصلی آبی و زرد و قرمز در ارتباط است. مثلث یانگ مردانه و عادی و سهیل آنتی است و لول انژی را اغزایش میدهد و انژی حیاتی را بالا برده و قابل استفاده کردن میکند و قدرت میدهد که انژیهای دیگر را که در حال تولید هستند را به سمت هدف خود تغییر بدهید. این امکان را میدهد که هر مجموعه ای که دارای انژی است را به سمت ما تغییر مسیر بدهد و با عدد ۳ در ارتباط است. مثلث یین زنانه و سهیل عنصر آب و در ارتباط با عدد ۲ است و ما اجازه میدهد که یک میدان و یک زمین برای جذب انژی خلاق داشته باشیم و ایجاد محیط و فرصت میکند و زمانی بکار میرود که یک مجموعه نیاز به پذیرشی سرمایه و ایده های جدید و جلب اعضاء جدید باشد. هر چیزی دلیلی مثل قلب و جیب اینطور است.

مثلث یا ننگ حالت بیدارکنندگی و افزایش دهنده و ارتقاء دهنده دارد. این شکل بیشتر در مردان تاثیر دارد. و در بان الکتریکی بدن را افزایش داده و تقویت میکند و ساختاری آتشین و قدرتمند دارد. مثلث بین بیشتر روی زنان تاثیر دارد و میدان مغناطیسی بدن را تحت تاثیر قرار داده و با آب مرتبط است.

ستاره پنتاگرام یا پنج پر:



نهاد انسان و پنج حس بشری و عنصر زنانه و حمایت و دفاع است. وقتی بنواهند از خطر یا خطر انرژی روانی منفی دیگران خود را حفظ کنند با پنتاگرام میبندند. این نماد با عدد ۵ در ارتباط است و همیشه تولید انرژی میکند و انرژی مجموع را متعادل میکند. در قدیم نهاد خانواده بوده، یک خانواده مذهبی شامل پدر و مادر و پسر و دختر و کشیش اعتراف گیرنده یا فرشته نگهبان بوده است.

ستاره داوود:



فرم واقعی

میگویند حضرت داوود این ستاره را بر روی سپر خود نقش کرده بوده است. در اصل این نماد مربوط به ویشنو بوده در هند. مثلث بالا سفید و مثلث پایین سیاه بکار میروند. اتحاد زنانه و مردانه و وحدت جنسی و تعادل آسمان و زمین است.



نوع ستاره ای  
السا قین

این نماد انرژی را تقویت و متمرکز میکند و در شفا بخش در بعد سایه بکار میروند و بیانگر موند یا جوهره الهی است. فرم واقعی آن در داخل و بیرونش دارای دایره میباشند و با اعداد ۶ و ۹ مرتبط است که قادر است بر کل جهان حکومت کند.

این نماد چاکرای قلب را با همراه متابولیسم بدن تحریک میکند و زمینه ساز کاری بدن را با شرایط مختلف فراهم میآورد. این علامت توازن، تعادل و انتظام را به بدن میدهد. نوع دیگر این ستاره که دارای دو مثلث متساوی الساقین است تعادل دنیا میکند بدن را تحریک و تفهیم بدن را فراهم آورده و تأثیرات خودش را بیشتر بر روی قلب و چاکرای آن و همچنین سیستم سازگاری میگذارد.

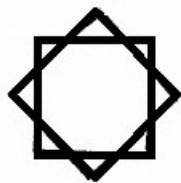
ستاره هفت پر:



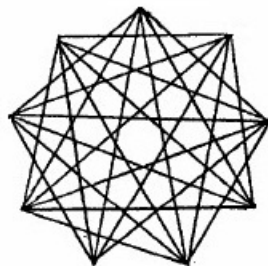
هفت پر

نهاد کودکی و فرشتگان نگهبان است.

هشت پر



نه پر



ستاره هشت پر:

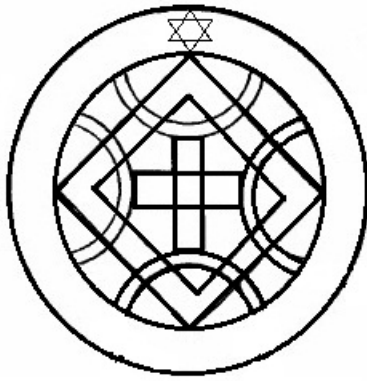
نهاد جنگ است.

ستاره نه پر:

نهاد تکامل است.

سرمیستالها نیز بشکل ستاره شش پر هستند و انرژی را در خود ذخیره میکنند و هوشمند عمل میکنند.





مهر پنج پر (کلید سلیمان) برای عشق؛  
 بیانگر قدرتی است که از ترکیب نیروهای مکرر درست  
 شده است.



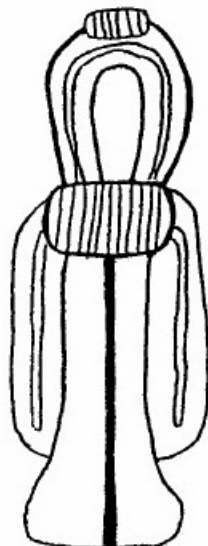
جَعَلُ: سهت راست طلسم و نهاد  
 خوشبختی و سهت چپ نهاد باروری  
 مربوط به مصر،



چتر (مون): یکی از هشت نهاد خوشبختی بودایی

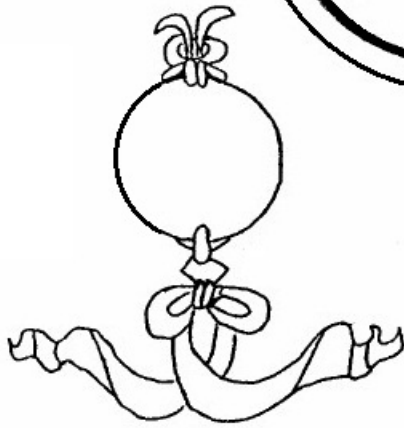


چرخ آشی: یکی از هشت نهاد طلسم خوشبختی بودایی

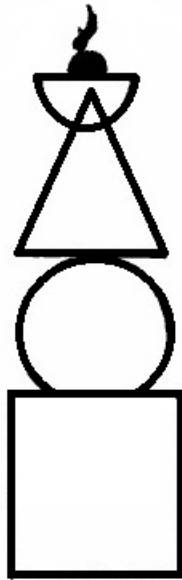


سکره ایزیس: علامت زندگی و نهاد  
 جاودانگی بوده و علنی کننده روح  
 است.

شوتی؛ طلسم رانوی ضد آتش؛  
(آب)



مرواریداردها نهاد عرفان چین:



استوپا؛ در آئین تنتره استوپا از ترکیب ساده ترین اشکال هندسی  
مربع و مثلث و دایره تشکیل شده که شدیدترین نیرو را تولید میکند.  
در نیچو کاسه کالا اشیا مقدس را نگهداری میکنند.

نهاد فلز آنتیوان



نهاد فلز آهن



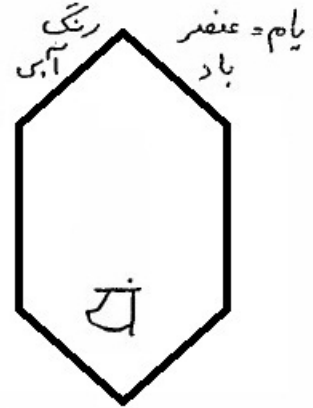
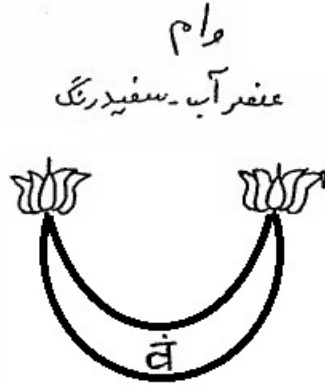
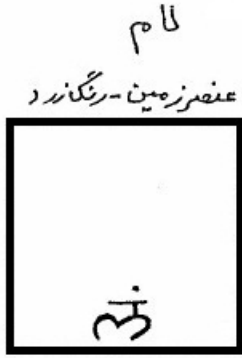
نهاد فلز برنج



نهاد فلز جیوه



سهیل عناصر :



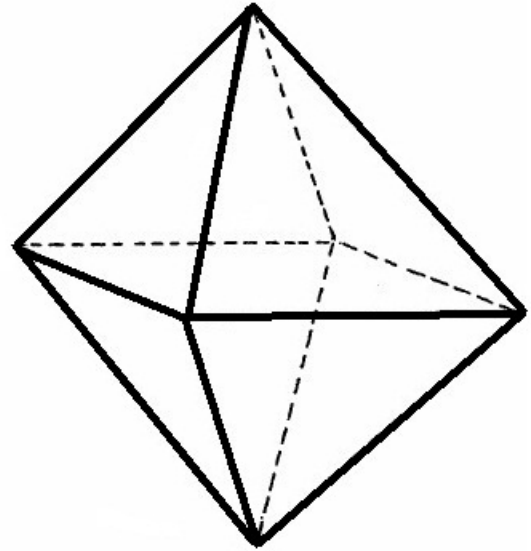
بین و یانگ - سهیل تعادل انرژی  
و چرخه هماهنگ نیروها



سهیل خوشی رهنی



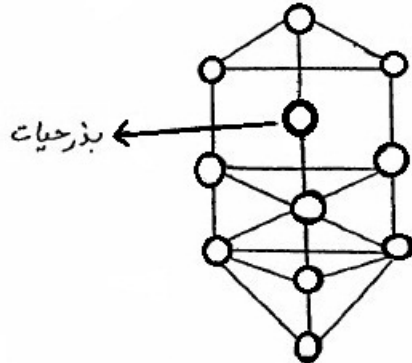
سهیل عناصر چهارگانه متحد



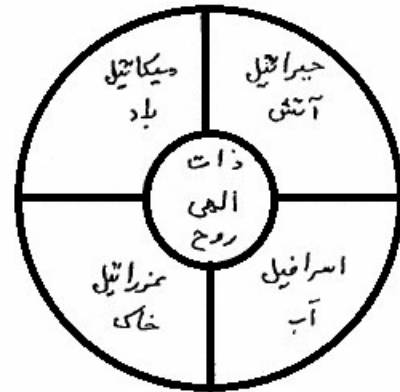
نهاد درخت زندگی :

ساختمان مولکولی روحانی هر چیزی، به شکل زیر است که  
به آن درخت زندگی میگویند. با هر یک از دایره ها کاشته  
یکی از صفات الهی روی زمین است و سپردن میگویند.  
و بالاتر از آنها سه مرتبه پر از اسمای الهی و ملائک و شیاطین است.

مرتبه آیین  
مرتبه آیت  
مرتبه سعف

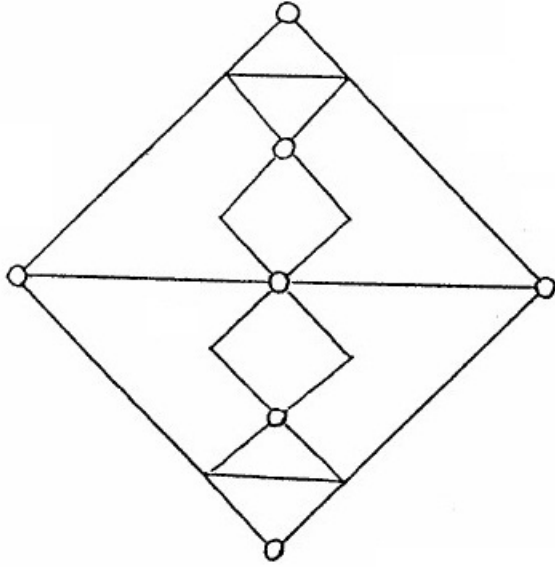


سهیل جادویی عدد هفت سه همه  
علم و حقایق و معارف از مرکز  
آن ما در میشویم. مانند دریا بی کج  
مقصد همه رودها و جویبارهاست.

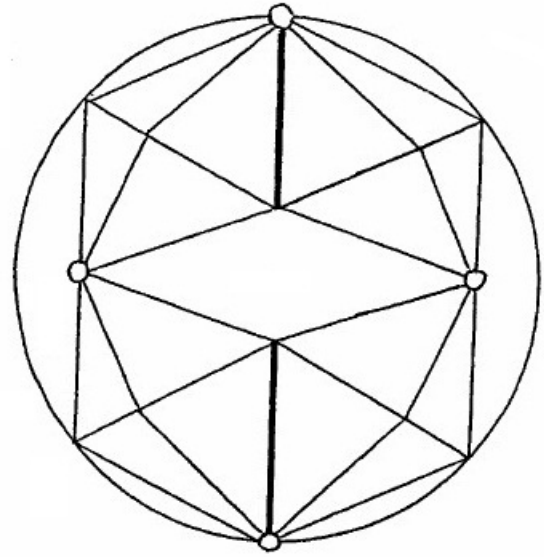


بنادهایی که ایجاد ضدیت شدید میکنند:

صوسی و ساحران



معیسی و شیطان

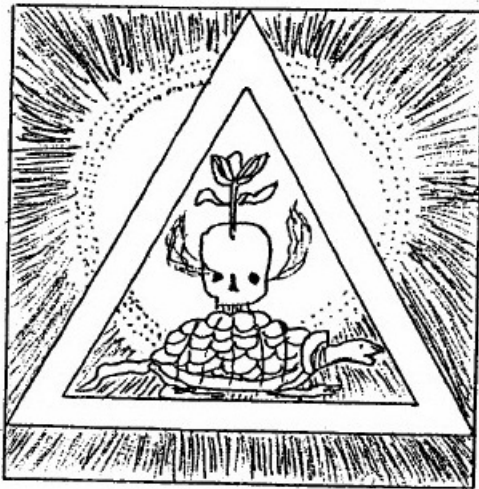


بناد ماه و خورشید بر روی رودخانه آب جاویدان

ماه بناد زن یا نفس کمل است.

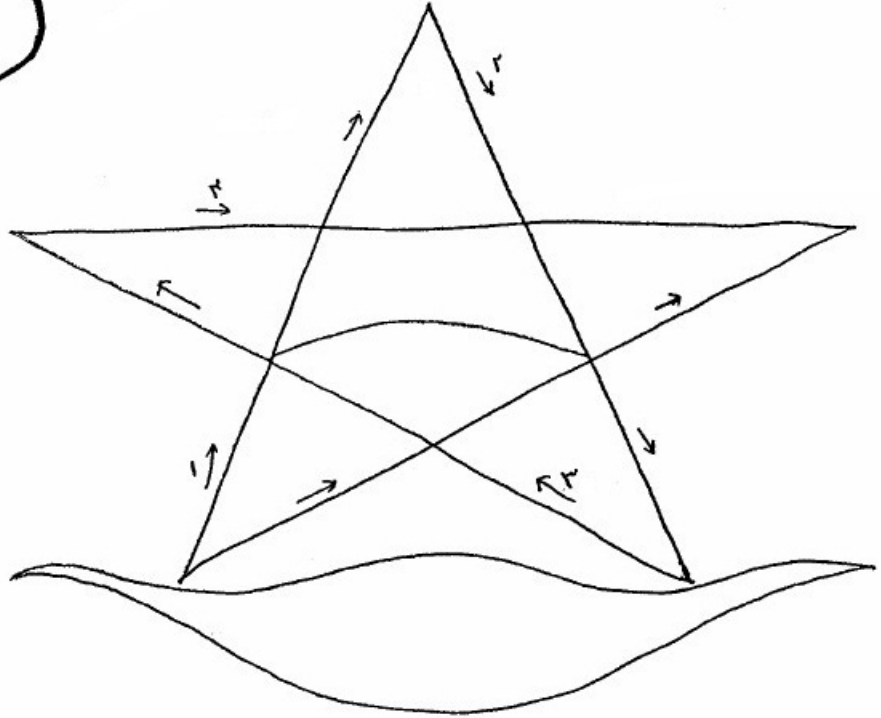
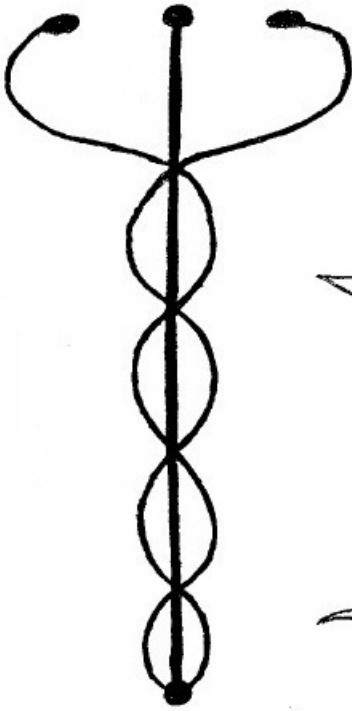
خورشید بناد مرد یا عقل کمل است.

بناد تثلیث نفسی: واسطه بین جسم و جان



سجادوسیوی: عصای بالدارینا در پزشکی

ستاره پنج پر: پانتاگرام برای قطع هر نوع  
اتصال اثیری مزاج

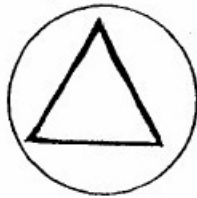


سمبلهای چاکراها:

۴- آناهاتا - نیلوفر ۱۲ پر



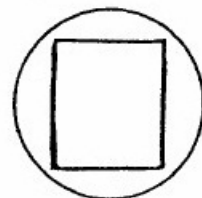
۳- ماننیپورا - نیلوفر ۹ پر



۲- سوادھیشثانا - نیلوفر ۶ پر



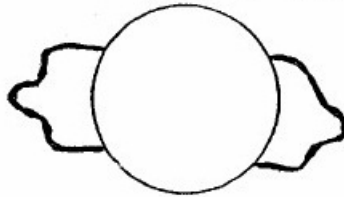
۱- مولادھارا - نیلوفر ۴ پر



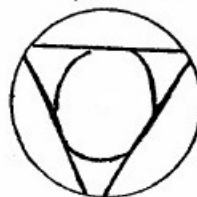
۷- ساها سارا - نیلوفر هزار پر



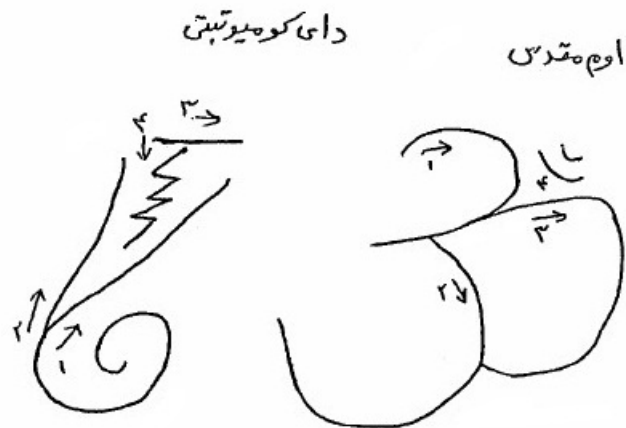
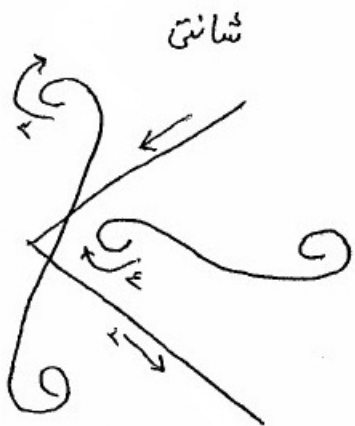
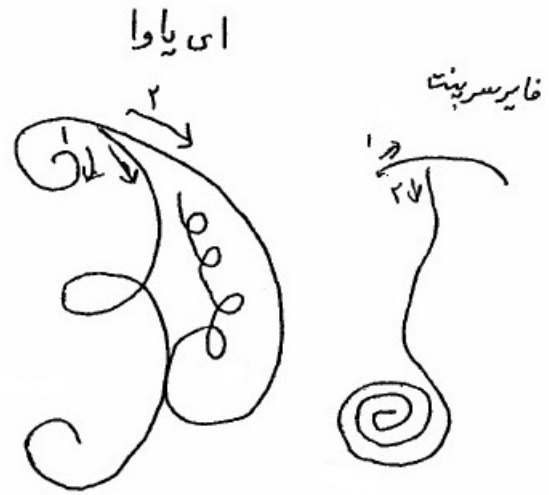
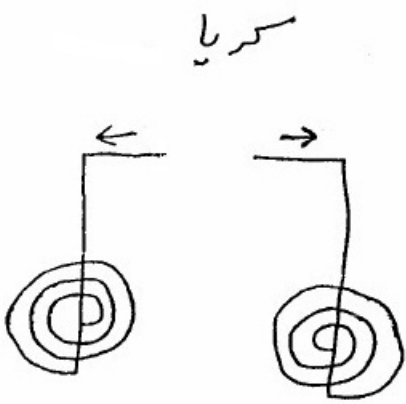
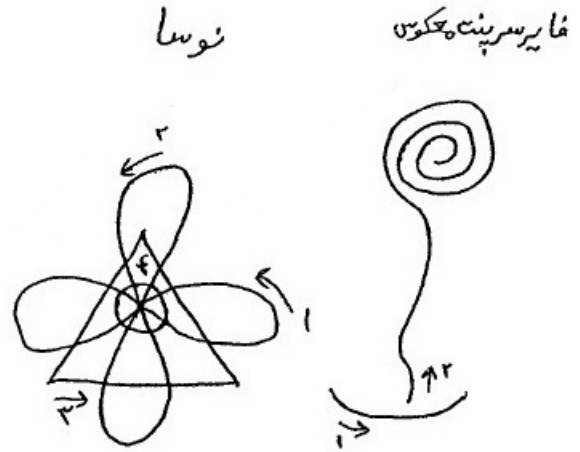
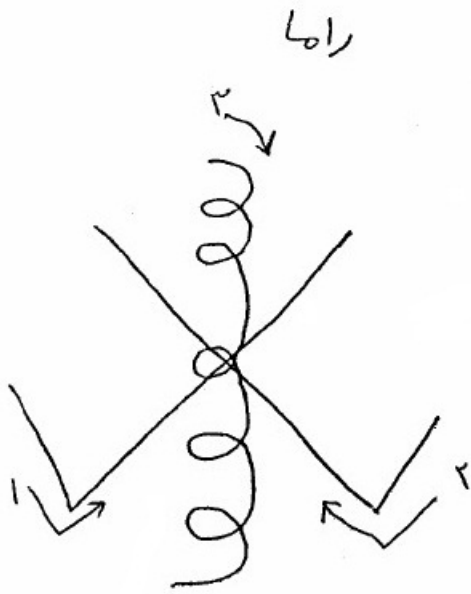
۶- آجنا - نیلوفر ۶ پر

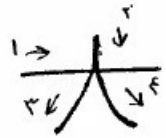


۵- ویشودھا - نیلوفر ۱۰ پر



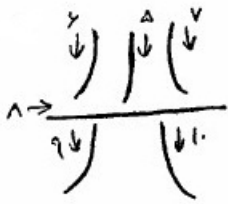




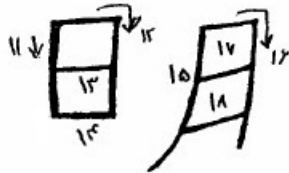


= DAI خداوند بزرگی کائنات

سهیل دای کومیو: (ری کی)



= KO و برمن بتاب



= MYO

ماه و خورشید - مذکور و منث - چپ و راست - سرچشمه و ریش  
فربخش از نور درونی



چکوری

افزایش قدرت



سی هی کی

روحی

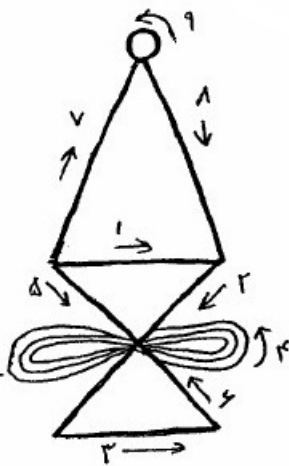
هن سازی شورش



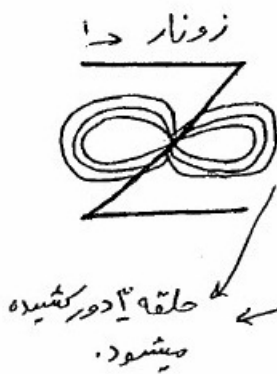
نهاد روش ری کی



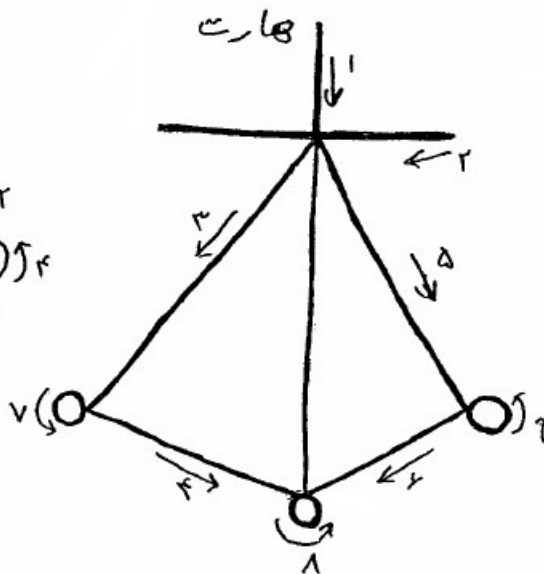
هی لو



سهیل های کارونا:



زونا را دای  
حلقه آ دور کشیده  
میشود.



هارت

نماد فلز آهن



نماد آهنربا



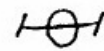
نماد نقره



نماد مس



نماد روح



نماد دروز



نماد شب



نماد طلا



نماد تصفیه



نماد موم



نماد یو چی کنگ فرد باستان چین:

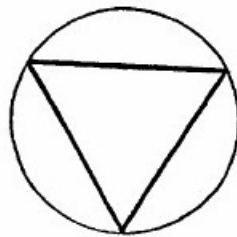
ساخته‌ها بصورت دایره دور تا دورین و بانگ چیده شده و پیدایش را تحت تمامی وجوه آن بوجود آوردند. این سمبل ارتباط دهنده جهان درون با بیرون است.

نمادهای اهریمن و شیطانی:

نماد کتاب شیطان پرستان



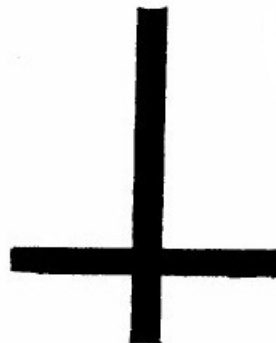
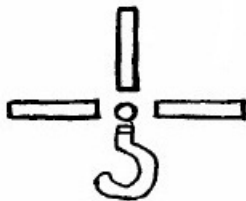
نماد همجنس بازان



نماد دجال یا ضد مسیح است  
نشانه پست ترین شهوات جنسی  
است (بز)

666

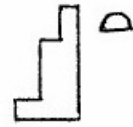
نشانه‌های شیطان پرستها:



سهیل با ست که دلایل ذهنی و روحی را در بیماریهای جسمی یافته و برای سلامتی عقلانی مفید میباشد.



سهیل گرما که در درمان هرنوع بیماری زنانه و کودکان تأثیر دارد.



سهیل شوش که در مجادله با هرنوع بیماری و تقویت کننده روح و روان و افزایش میزان تأثیرات دارویی میباشد. در حین اجرای عملیات مدیتاسیون دلایل بیماری را میتوان ظاهر کند.



سهیل چشم ضروی که حالتی محافظت کننده را در برابر امراض دارد و بدن را از بیماری همچون میبارد.



سهیل هیروکلیمف که سلامتی و رفاه را ایجاد میکند.



سهیل آتخ که نیروی انرژی شفا بخشی را افزایش میدهد و نماد نیروی زندگی بشمار میرود.



سهیل سیریوس که دنیای خطرت و سرشت ما را بیدار میسازد، انرژیهای شفا بخشی را ایجاد کرده و مقاومت و نیرو مندی را در بدن تحریک میکند.



سهیل فرور که بمعنی پادشاهی الهی است و گویای سارکن اساسی بنذار نیک و گفتار نیک و کردار نیک است و زندگی معنوی را ایجاد میکند.



خورشید ☉ ماه 4 مشتری ♃ اورانوس ♅ عطارد ☿

زهره ♀ نپتون ♆ زحل ♄ مریخ ♂ پلوتو ♇ رأس ♁

دنب ♁ فروردین ♈ اردیبهشت ♉ خرداد ♊ تیر ♋ مرداد ♌ شهریور ♍

مهر ♁ آبان ♁ آذر ♁ دی ♁ بهمن ♁ اسفند ♁

عنصر آتشی: بنگ قرمز  
عنصر آب: هلال ماه سفید  
عنصر خاک: مربع زرد  
عنصر باد: شش ضلعی آبی  
عنصر اتر: بیضی سطح تیره  
بنوبت رویشان مدیتیشن کنید.

نهاد را طوری بکار ببرید که حداقل امکان کسی نفهمد. اگر کار بازرگانی است مثلث مردانه و اگر  
 کار خدماتی باشد مثلث زنانه باید باشد. در کارهای اکتیو کلاً از مثلث مردانه استفاده کنید.  
 میتوانید به مثلث طرحهای اضافه کنید. اگر دوستان خود کاملاً دارید از مربع استفاده کنید. اگر  
 بخواهید اطلاعاتتان محصور باشد دایره بزنید. در کارهای خدماتی مثلث معکوس با اضافه ستاره  
 پنج پر بکار ببرید. همیشه در ابعاد از نام مساعد شرکت استفاده کنید. همیشه هر فرم نوک تیز را  
 درون دایره یا بیضی یا مربع محصور کنید. مگر اینکه تعداد آن چیزهای نوک تیز با عدد شانس شما  
 مساوی باشد. هرگز مثلث را در چهار گوش محصور نکنید مگر اینکه طرح فاقد دایره یا فرمهای  
 چرخشی باشد. همیشه مثلث را با متن قرمز درون مربع شبیه نیلی بکار ببرید. برای بیه معکوس  
 اطراف قرمز پررنگ با سبز کم رنگ و بیشتر بیرونی ما را پیچ سی با سه شعاع برخوردار باشد. باید دید  
 مخاطب کیست و چه احساسی باید در آنها ایجاد کرد. جام مقدسی نهاد مهمی است. جام یک  
 شخص است. نهاد ساده چند وجهی گلهای یا خورشید میتواند انعکاسی دهنده باشد. برای اینکه  
 رابطه دو نفر سالم و روبه دوام باشد و حتی اگر مشکلاتی با هم داشته باشند هر دو نفر دستهای را  
 سر انگشت حلقه در آن هست را بگیرند و هر دو انگشت را بهم گره بزنند این کار مثل خازنی که جریان  
 الکتریسیته آنرا شارژ میکند بدن احساسی هر دو را شارژ میکند.

نسبت طلایی: عدد  $1/618$  یا عدد فی را میگویند که عدد طبیعت است. هر جای بدن را اندازه  
 بگیرید از این نسبت پیروی میکند و در تمام طبیعت وجود دارد. نسبت زنها به مردها و موجودات  
 ماده به نرها. اگر از این عدد در نهاد استفاده کنید موفقیت خواهید داشت.  
 نسبت دایره به مثلث نهاد عدد  $1/618$  میباشد.



هر جای که دو نهاد مذکر و مؤنث باشد یک نیروی روحانی هست. جنبه مسا جد مردانگی و مصراع  
 مسا جد زنانگی است. در هر جای مقوس یک وجه زنانه و مردانه خودتان را در سبیلها بیاورید. برم  
 و ستون و ضریح نهاد مردانگی و مذکور است. مراسم مذهبی تدامی باوروری جنسی و باوروری کیهانی  
 و اتحاد نیروهای آسمانی در زمین است. از نظر رنگ و نهاد بهترین راه برای مورد خاستان انتخاب  
 کنید و تمرکز کنید. مثلاً مثلث قرمز نیت و آرزو را با تکرار مجسم کنید. روزانه روی مثلث قرمز مدیتیشن  
 کنید. مثلاً دوست دارم فلانی با من تلفن کند. به مثلث قرمز تمرکز کنید و در آن باز میشود و فلانی در آن  
 نشسته و تلفن میکند. روزانه انجام بدهید، تحقق می یابد. روش توطئه رنگ انتخابی را بکار ببرید.  
 نهادها با عظمت انسان در ارتباط بوده و نشانگر تمرکز و تجمیع نیروی ذهنی انسان در یک نقطه مشخص  
 است. در واقع اگر نهاد خاصی را مینشاندید پس واسطه درمی یابید که کدامین تفکر و دیدگاه ذهنی  
 شخصی در آنجا تمرکز گردیده است. نهادها عاملی هستند که احساسات و نبوغ ما را نگه داشته  
 در عمق وجود ما را تحریک کرده و ما را بیست و سوس دانش و آگاهی سوق میدهد که یا ما قادر به

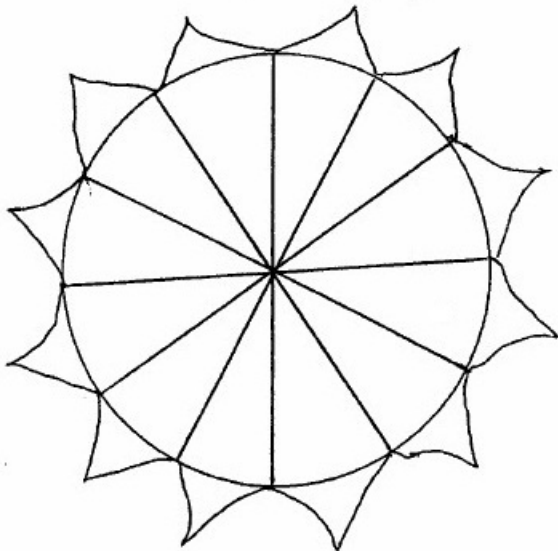


به تشخیص آن نبودیم و یا اینکه شیوه استفاده از آن استعدادها را نمی دانستیم، این نهادها در واقع پله‌های ارتباطی میان ذهن حاضر ما با استعدادها و قابلیت‌های درونی ما هستند. به هر اندازه که شما مفاهیم نهادها را درک کنید هماهنگ‌تر به تأثیرات آنها نیز پی خواهید برد. دادن رنگ‌های خاصی به نهادها باعث میشود که شیوه خاصی از درمان را کشف کنید.

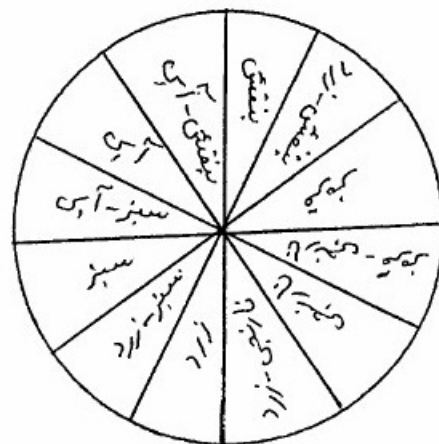
### تکنیک چرخ رنگ نهادها:

- ۱- دایره‌ای را به اندازه ده تا پانزده سانتیمتر ترسیم کنید.
  - ۲- با استفاده از پرگار و تقال‌ای خطوط شعاعی ۲۰ درجه‌ای ایجاد کرده و دایره را ۱۲ بخش کنید.
  - ۳- هر کدام از قسمتها را با رنگ‌های طیف نوری رنگ کنید و از رنگ سرخ آغاز و با رنگ کبود تمام کنید.
  - ۴- در حال رنگ آمیزی به احساسات خودتان نیز توجه داشته باشید. به حالات و رفتارهای ناخودآگاه خودتان دقت کنید. ببینید کدام حالت‌ها بیشتر دوست داشتنی‌تر است. کدام رنگ برای شما جذاب است و کدام رنگ بیشتر نیازمند هستید.
  - ۵- دایره‌ای دیگر ترسیم کنید، ترجیحاً خط ترسیم را موجد ار ترسیم کنید. یعنی در اطراف دایره اصلی خطوط نیم دایره مانند‌ای را ایجاد کنید. در حالیکه این شکل را ترسیم میکنید و رنگ میزنید به احساسات و رفتار خودتان دقت کنید و نتیجه‌گیری نه کنید.
- موثرترین نهادها همانهایی هستند که خودتان ایجاد کرده‌اید. نهادهایی بسازید که حالت پاسخگویی تمامی نیازهای کارشناسی شما باشد.

چرخ رنگ دوم

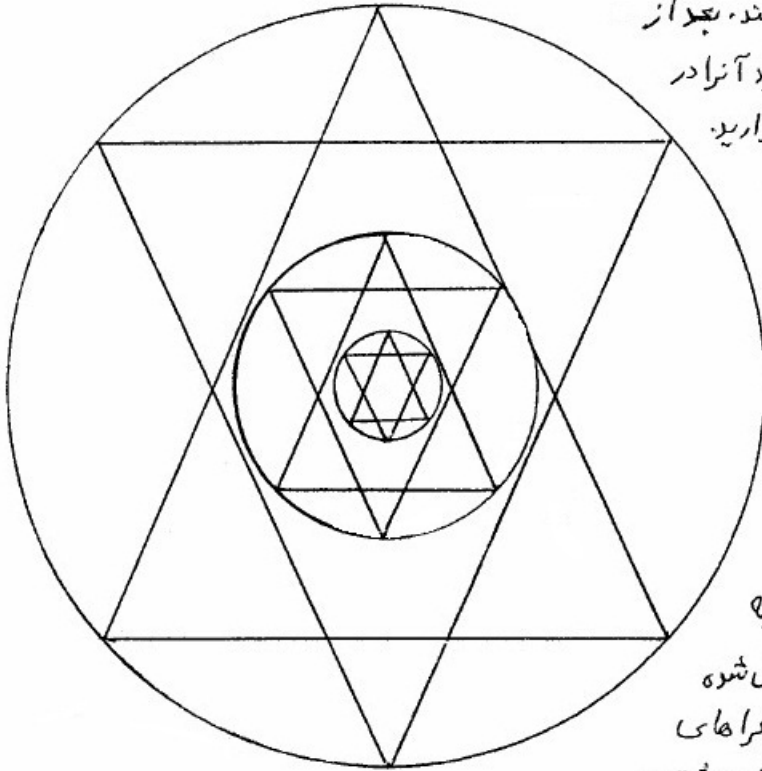


چرخ رنگ اصلی



هر کدام از نهادهایی را که تمایل دارید انتخاب کرده و بکار بگیرید و تلاشی کنید که افکار مورد نظرتان را تا پایان درمان در ذهن خود حفظ نه کنید. از هر جنسی میتواند برای ساختن نهاد

استفاده کنید. بهترین مواد برای این مورد کمانده مقوایی است. رایجترین و امن‌سیتین نهاد برای این کار دایره، ستاره شش‌پر و شکل مکرر آن است که باعث میشود بنای سیستمهای وجودی انسان از آن تاثیر گرفته و با تعادل و توازن برسد. این نهاد قلب را با حرکت و ادراک



کرده و نیروی فرد را افزونتر میکند. بعد از

ایکجه نهاد خودتان را تکمیل کردید آنرا در

فاصله یک تا ۱/۵ متری خود بگذارید.

بدنه آن جای راحتی مهیا کنید

و راحت بنشینید و حدود ده تا

۱۵ دقیقه تمرکز فکری خودتان

را کسب کنید، در این بین به

این فکر کنید که نهاد شما چه

چیزی را انجام داده و چه نیروی

را ایجاد خواهد کرد و در رابطه با

انرژی ایجاد شده فکر کنید. در حالیکه

تصور میکنید انرژی حاصل و پخش شده

از نهاد شما به اطراف از سوس چاکراها

بدن شما مکیده میشوند، سعی کنید بیشترین

تاثیر پذیری نقطه ای را که مدنظرتان است در ذهن تقویت کرده و به آن برسید. در حالیکه بانگ‌های عمیق به نهاد خود خیره شده اید سعی کنید خودتان را با آن بسیار نزدیک و یکی بدانید. چرا که شما بنوعی از آن همسید و با هم تلفیق می‌شوید. زیرا میان انرژی آن با انرژی شما حالت تمامیت و وحدت پدید می‌آید.

صیغه ها و نهادها:

سمنو: نهاد زایش گیاهن و بارور شدن گیاهان

سپاس سرخ: نهاد باروری و زایش

سیر: گنزدایی و پاکیزگی

تخم مرغ: نهاد نطفه و شراد

نقل: نهاد زایش و تولد و بالندگی و برکت

آجیل: نهاد زایش و تولد و بالندگی و برکت

انار: نهاد برکت و باروری

ماهی سرخ: نهاد آناهیتا فرشته آب و باروری و وجودش باعث برکت و باروری می‌باشد.

سنجد: نهاد زایش و تولد و بالندگی و برکت

سبزه: نهاد فراوانی و برکت و قداست

ساق: نهاد گنزدایی و پاکیزگی

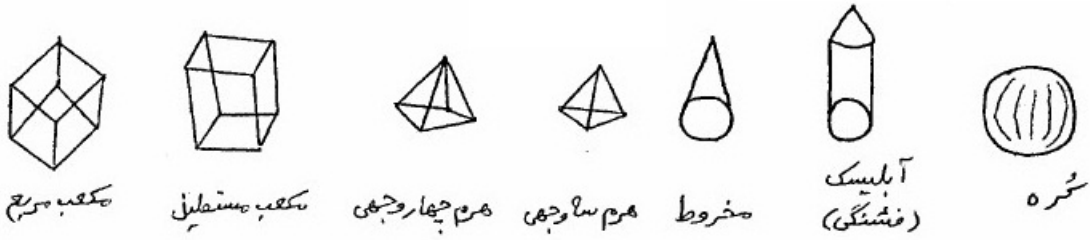
سرمه: نهاد گنزدایی و پاکیزگی

سکه: نهاد برکت و سرشاری کسب

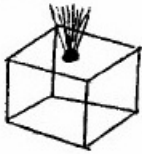
شیرین: نهاد زایش و تولد و برکت و بالندگی

اسپند: نهاد دور کردن انرژیهای مزاحم

نمادهای سه بعدی:



مکعب مربع: همیشه خطوط قدرت است، انرژی زمین از آن با آسمان می‌رسد و انرژی آسمانی با زمین برمیگردد. وقتی نیازم خوابید در این میدان سهیم هستید. درون کعبه یک ستون بگرد هست، میدانهای نیروگردا گرد زمین میچرخند.

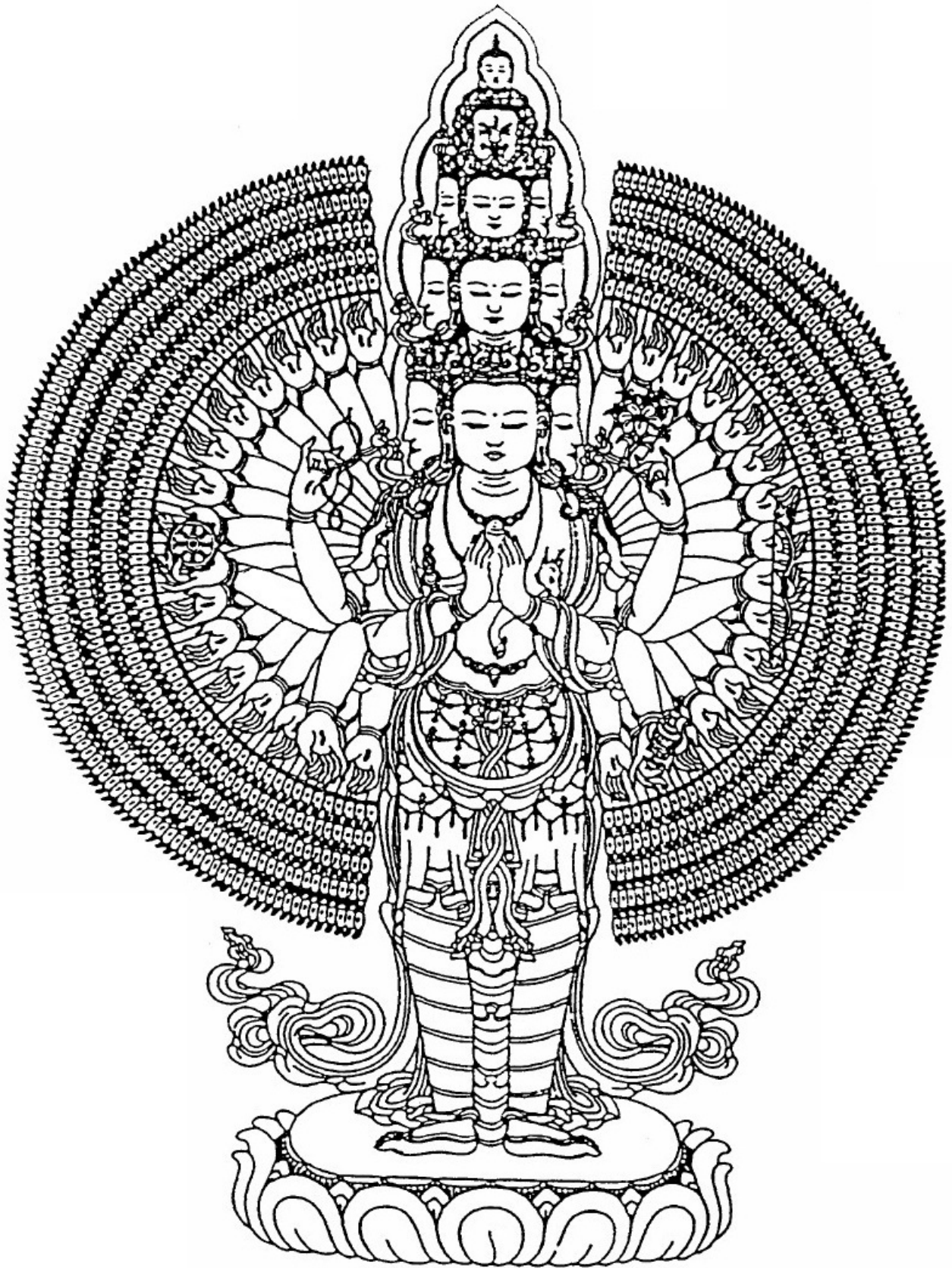


مکعب مستطیل: مثل مکعب مربع است فقط جریان رو به بالا دارد و جریان رو به پایین ندارد. برای آزاد کردن روم مرده برای سنگ قبر خوبست.

هرم چهاروجهی: جریان کیهانی را از بالا دریافت میکند و در مرکز آن ارتفاع تا کف تقویت میکند و از دیواره ها انعکاس میشود. اشکال آن اینست که خروجی و ورودی یکی نیست، بهترین حالت اینست که هر یک از دیواره ها مطابق یکی از جهات باشد و درش رو به مشرق، این هرم در ارتفاع با خیر شید است. هرم سه وجهی: همان کار هرم چهاروجهی را میکند، فقط ورودی و خروجی آن یکی است. هرم انرژی حیاتی را تشدید میکند، گلبولهای حرکت کننده مثل نیک بشکل هرم هستند.

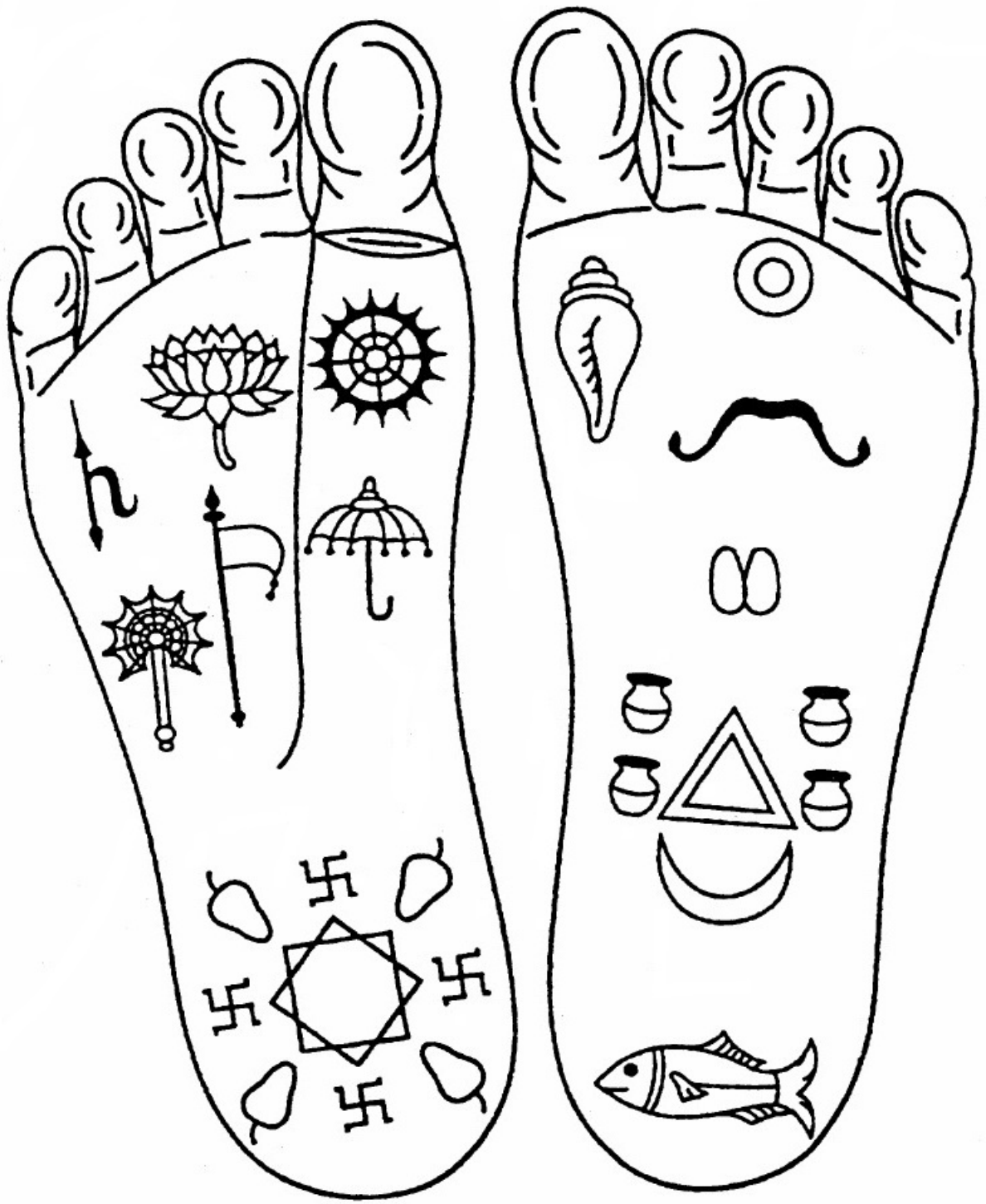
مخروط: کار ویژه ای که میکند امواج ذهنی دورانی را کاملاً تقویت میکند، رأس آن از فرق سر از عدد ۱۳ پیروی میکند و فاصله اش تا فرق سر ۱۳ سانتیمتر باشد یا واحدی از عدد ۱۳، خواب راهم از بین میبرد.

آبلیسک یا فشنگی: در معابد و کتبهای باستانی دیده میشود، ایجاد انرژی و جدایی میکند، هر چه در رأس آن باشد خود بخود از بین می‌رود. مثل زندانها، شکل موشک است و جایی باشد که دور بماند. کُره: صرفاً انرژی حیاتی را ذخیره میکند.



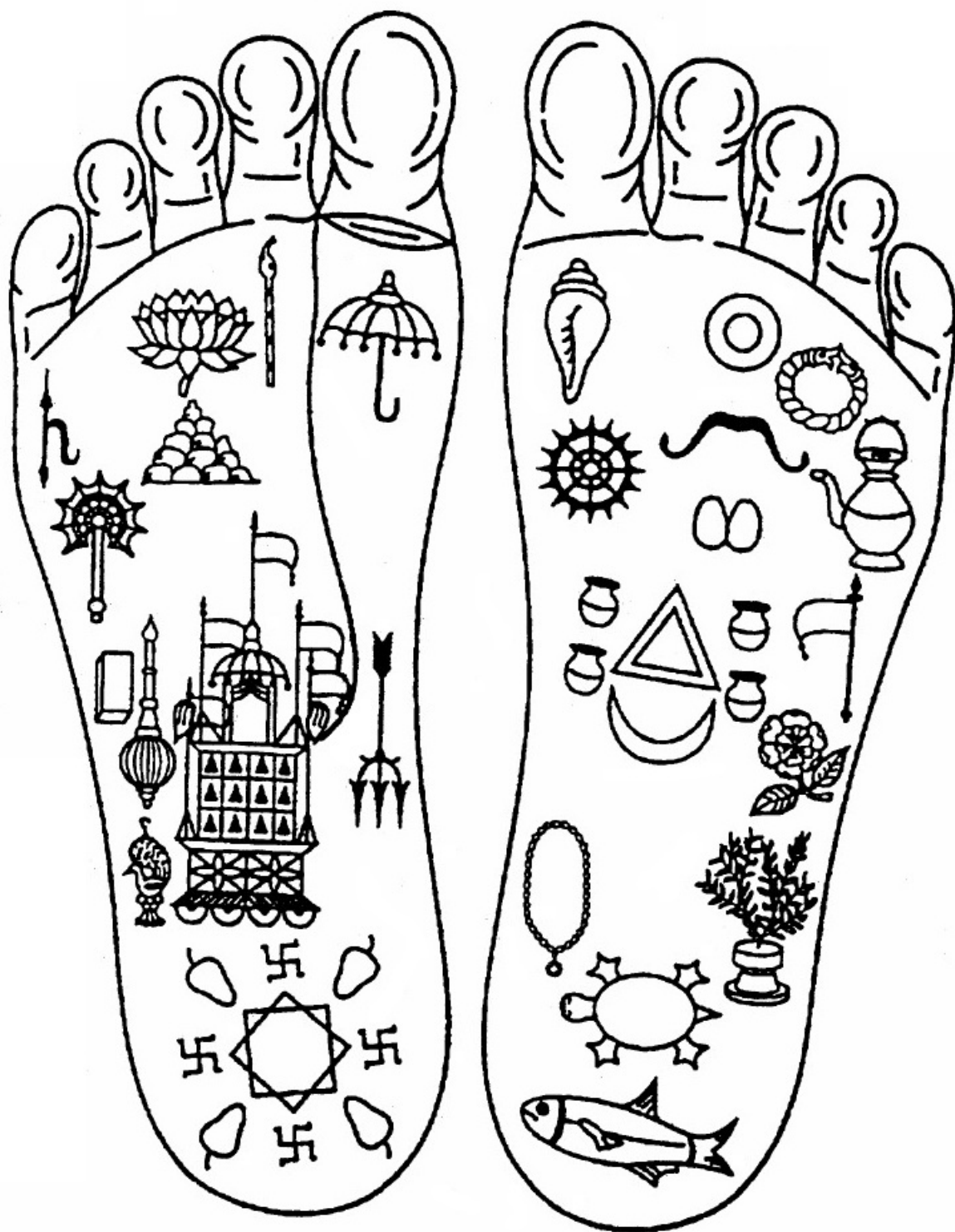
بودی ساتوا آوالو کتیشوارا

The Holy Name and Kṛṣṇa's Form



Syamasundara's Lotus Feet

The Holy Name and Kṛṣṇa's Form



Sri Kṛṣṇa Caitanya's Lotus Feet